

پیرن گفٲ پارسه

نویسنده

محسن دلاوری

www.ketab.ir

سرشناسه	: دلاوری، محسن، ۱۳ -
عنوان و پدیدآور	: چنین گفت پارسه؛ رمان فلسفی / نویسنده محسن دلاوری.
مشخصات نشر	: آبادان: پرسش، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۱۴۰ ص. -
شابک	: ISBN 978 - 600 - 265 - 047 - 4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا.
موضوع	: داستانهای فارسی -- قرن ۱۴.
موضوع	: زنان -- داستان.
موضوع	: داستانهای فلسفی -- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ج ۹ / ۲۳۴۳ PIR
رده‌بندی دیویی	: ۸۷۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۲۱۶۳۹



نشر پرسش

محسن دلاری

چنین گفت پارسه

• حروینگار: اعظم پناهی • لیتوگرافی سرو • چاپ: ۵۰۰ علی

• چاپ اول: ۱۳۹۳ • شمارگان: ۳۰۰۰ •

شابک: ۵-۰۳۷-۲۶۵-۶۰۰-۲۷۸

© حق چاپ محفوظ است.

نشر پرسش آبادان - پریم - میدان الفی - ساختمان اروند

نشانی مکاتبات پستی: نشر پرسش - اصفهان - صندوق پستی ۳۱۶-۸۱۷۱۵

فروشگاه: سی و سه پل - ابتدای چهارباغ بالا - مجتمع باران - واحد ۱۳ - C - تلفن ۶۶۷۲۴۵۲

E-mail: porsesh.pub@Gmail.com

info@porsesh-pub.com

www.porsesh-pub.ir

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: دیدار
۲۱	فصل دوم: نامه
۲۹	فصل سوم: انتخاب
۳۵	فصل چهارم: وظیفه
۴۱	فصل پنجم: اولین پیام
۴۹	فصل ششم: دیدار
۵۴	پیغام دوم: گناه نخستین و گناه واپسین
۵۶	پیام سوم: کاربرد با کارایی متفاوت است
۵۷	پیام چهارم: نابودی جلال زنان
	فصل هفتم: سخنرانی میان زنان
۶۱	پیام پنجم: زنانه نیمه جامعه هستند و نه نیم آن
۶۷	سه نوع رفتار زنان در شرف بلوغ:
۶۸	پیام ششم: صفات رذیله
۷۲	تولد وارث
۷۵	فصل هشتم: سیاره روشننگری

۷۶	پیغام هفتم و هشتم:
۷۹	پیغام نهم: بارزترین جلوه جوامع مدرن
۸۳	فصل نهم: در مذمت ریاکار
۹۹	فصل دهم: کوه فاهمه
۱۰۹	فصل یازدهم: کلید قفل های نامرئی
۱۱۳	پیغام دهم:
۱۱۷	فصل دوازدهم: محاکمه
۱۳۳	فصل سیزدهم: نجات
۱۳۶	پیغام خاتمه نور

پیشگفتار

هستی با آهنگ و نواها و محتوای ما را مبهوت خود کرده اکنون نوبت شما رسیده که آهنگ هستی خود را بنویسید و بدانید آنکه به ضرب آهنگ هستی پی برد، همناوای خوب برای آنست که به خود و این همناوای او را از بهت و حیرت و ترس و دلشوره رها کند نمود تا کم کم عازم صفحه‌های بعد این سمفونی شده و با عبور و گذار از مرزها به ابعاد دیگری از دیار دریافت‌ها رسیده و تبدیل به هماهنگ‌ترین عضو هستی بشود. امروزه بشر به سه دلیل این‌گونه زندگی می‌کند: اول افکار گذشته، دوم اعمال گذشته و گذشتگان و سوم شرایط گذشته. پس می‌توان گفت آنچه بحال من بینیم تا حد زیادی تأثیر گرفته از افکار فلاسفه پیشین است و ایشان سه عمده‌ای در اعمال و رفتار امروزه بشر دارند. بشری که به گمان بسیاری از ایشان (فلاسفه) کودکی را رها کرده و وارد مرحله نوینی از زندگی است گردیده است. یکی از مطالبی که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته این است که آیا بشر به بلوغ رسیده است؟ آیا بشر در شرف بلوغ، در چاه نابالغی سقوط نکرده است؟ آیا بروز رفتارهایی از جمله (احساس‌گری، قدرت‌طلبی، خودنمایی، نمایشگری، غرور و خودخواهی، استقلال‌طلبی

افراطی (تکسر طلبی) شهوت طلبی، فقدان تعهد و هیجان طلبی و سرکشی و طغیان) در تمامی سنین نشان دهنده نابالغی نیست؟ آیا تفکرات و نظریات فلاسفه گذشته نقشی در بروز این رفتارها و سقوط بشریت در چاه نابالغی نداشته‌اند؟ سقوطی که بشر را در برزخ کودکی و بلوغ گرفتار کرده و آینده بشریت را چشم به راه و دلواپس نجات از این ورطه نموده است. در چنین دورانی، دختری دانشجو به نام پارسه پس از طی حوادثی از دانشگاه انصراف می‌دهد و با شخصی به نام مردان ازدواج می‌کند. مردان پارسه را به ارتفاعات معرفت برده و او را متحول می‌نماید. مردان به پارسه می‌گوید مقصود از انسانیت جلال و ماهیت انسانی است که در تعقیب او باید به صفات عالیه بارز می‌شود و منظور از صفات عالیه را صفاتی از جمله (مروت، بخشش، گذشت، ایثار، کرامت، غیرت، عدالت...) که ششگانه گرفته از اسماء الله‌اند بیان می‌کند و مردان خود را قربانی درک و دفاع از این موضوع می‌داند و از پارسه می‌خواهد که پس از او پیامهایی به بشریت برساند و عشق را دهد مردانگی در شرف مرگ قرار گرفته است. پارسه می‌پذیرد و برای انجام این رسالت راهی شهر می‌گردد، ولی در ابتدای مسیر درمی‌یابد که کج فهمان و فاسقان توانایی درک و فهم پیام او را ندارند و می‌گویند می‌شود آنها به سبب اعمال گذشته‌شان، قدرت تحلیل و درک را از دست داده‌اند. پس اولین پیغامش را این گونه به بشریت ابلاغ می‌کند که برای کینه و فاسقان پیغامی ندارد و این پیام را به کل بشریت خواهد داد و منتهی به این است که سایرین به تفاوت درکشان با گروه فاسقان پی ببرند. پارسه به گروه‌های مختلفی از مردم دیدار می‌کند و از ایشان دعوت می‌کند که به باغ بیایند. باغی که مدنظر پارسه است مکانی است که از آنجا می‌توان حقیقت را دید. در جایی پارسه آسایش طلبی را خواسته تن و رسیدن به آرامش را خواسته روح بیان می‌کند و ادعا می‌کند روح و جسم ما به یکدیگر پیوند خورده‌اند و عذاب یکی در دیگری تأثیر می‌گذارد مشکلات روحی،

کسالت جسمی به بار می آورد و مشکلات جسمی منجر به روان پریشی می شود. پارسه معتقد است افراط در غرایز جسمانی و یا سرکوب آن علاوه بر ایجاد مشکلات جسمی، روح را نیز آزرده و به دنبال آن، فرد را روان پریش می نماید. او به مردم می گوید: با اینکه بشر نسبت به دوره های گذشته آسایش بیشتری یافته، ولی احساس خوشبختی نمی کند و آرامش ندارد و اشاره می کند که دوری از صفات عالیّه، موجب بروز چنین احوالی می گردد. در ادامه مسیر به تحلیل ترس و اضطراب و تفکیک آن می پردازد و می گوید اضطراب ناشی از انفصال است و در تمام بشریت بوده و هست و بهاره های از آن اتصال به صفات عالیّه است؛ چون علت اصلی این اضطراب را در انفصال بشر از منبع و مرکز این صفات می داند و به مردم نوید می دهد که اتصال به صفات عالیّه به آرامش خواهند رسید و در مسیر بازگشت به منبع و مرکز این صفات قرار می گیرند. پارسه در بسیاری از نطق هایش قوانین و قواعدی پشت قوانین را عامل گرفتاری بشر می داند و معتقد است برخی قوانین که در جهت نفع فردی و فردگرایی و آزادی فردی وضع گردیده، بشر را معرض سقوط در چه نابالغی قرار داده است و مقصودش از قوانین، برخی قوانین غربی است و معتقد است خواسته شیطان که از آن تحت عنوان سارنارد می شود، در پشت چنین قوانینی مستتر است و ادعا می کند بشریت در دام نفع فردی گرفتار شده و این گرفتاری ناشی از اندیشه های گروهی از غلابه است. همین است، که امتداد تصوراتشان به وضع کنونی بشر گره خورده است. پارسه این امتداد را در مسیر حرکتش نشان می دهد و از مردم می خواهد این مسیر را باز نماید تا از گرفتاری عصرشان خلاصی یابند.

پارسه معتقد است قوانین (قوانین غربی) بزرگترین تفکیک قرن بیستم را جداسازی زن و مرد انجام داده و زنان را نیمی از جامعه نامیده تا آنها را تحریک کند و خود اهرمی برای چنین جداسازی شوند. پارسه تأکید می کند زنان نیمه ای از جامعه اند و نه نیم آن. در جایی اشاره می کند که

فیلسوفی بشر را برای رهایی از کودکی ترغیب نمود با عصیان و طغیان از چنین چراگاهی (کودکی) رها شود و به سوی مرتع‌های جدید روانه گردد و در نتیجه کسانی به تحریک این نظر عصیان کرده، از کودکی رها شدند ولی در چاه نابالغی سقوط کردند. فیلسوفی دیگر که معتقد بوده وجود مقدم بر ماهیت است بشر را به بیگانگی کشانده و او را به وانهاده پنداشتن خود ترغیب نموده در نتیجه بشری که به دنبال این اندیشه خود را منفصل‌تر از گذشته یافته، دلهره بیشتری پیدا می‌کند، ولی وقتی به او القاء می‌شود حال که وانهاده‌ای، آزادی و اتصالات قبلی تو را محدود کرده بود، اسیر او را روانه یافتن قوانینی می‌کند که چنین آزادی و آزادی فردی را منهدم می‌کند چون خود را وانهاده می‌پندارد و این وانهادگی را مانع رسیدن انسان به ارزش‌های گذشته می‌بیند، لذا در پی نظر فیلسوفی دیگر خواستار یافتن ارزش‌های دیگری می‌شود که با اتصال به آن کمی از اضطراب انفصالات گذشته بکاهد. اما همه این اتفاقات دست به دست هم داده تا بشریت را به طور کامل به افراط بر غرایز جسمانی مشتاق کند و او را به چنین غرایزی متوسل نماید و با افراط در آن، هشدار اضطراب درونی‌اش را خاموش نموده، در دام تاریکی و گمراهی شیطان اسیر گردد. پارسه اعلام می‌کند که گناه واپسین بشر وانهاده پنداشتن خود است و می‌گوید این تفکر است که انسان را از مرتبه انسانی دور کرده است. پارسه مردم را گرفتار بحران شخصی می‌داند و بحران کل جامعه را حاصل جمع چنین بحرانی می‌پندارد. در این کتاب نظرات چند فیلسوف غربی از جمله هیوم، هگل، کانت، نیچه، سارتر، سیمنوار و... اشاراتی شده است و گزیده‌ای از نظرات ایشان مورد نقد قرار گرفته و پارسه با تدوین شیوه‌های ویژه خود، سعی می‌کند با آنها مقابله نماید.